

روابط ایران و عراق، از آتش بس تا پذیرش دوباره قرارداد ۱۹۷۵

□ نوشته: دکتر اصغر جعفری ولدانی

عراق نسبت به این قطعنامه به پذیرش صریح و بدون قید و شرط آن توسط ایران بستگی دارد.^(۱) اما ایران اعلام کرد که این قطعنامه را نه می پذیرد و نه آن را رد می کند. ایران قطعنامه های قبلی شورای امنیت را به دلیل غیرعادلانه بودن رد کرده بود. اما در این قطعنامه برخی از خواست های ایران، مانند مسئولیت آغاز محاصره، ملحوظ شده، ایران فقط خواستار جابجایی بندهای قطعنامه بود، از جمله بند ۶ قطعنامه - در مورد بررسی مسئولیت آغاز محاصره - در ابتدای قطعنامه آورده شود؛ به عبارت دیگر، ابتدا متجاوز معرفی شود و سپس آتش بس برقرار گردد.

به منظور جلب نظر ایران، دبیرکل سازمان ملل متحد در طرح اجرایی خود بین بند یک و بند ۶ نوعی ارتباط و پیوند به وجود آورد. طرح اجرایی دبیرکل بر این مبنا بود که هیچ یک از بندهای قطعنامه بر دیگری تقدم و ارجحیت ندارد و قطعنامه باید در کل و در مجموع پذیرفته شود. بر اساس این طرح، در روز آتش بس یا «روز D» کار هیأت بی طرف برای بررسی مسئولیت آغاز محاصره نیز شروع می گردد.

به هر حال، موضع «نه رد و نه قبول» ایران نسبت به قطعنامه ۵۹۸ به مدت یک سال ادامه داشت. اتخاذ این موضع از یک طرف به علت موقعیت برتر نظامی ایران در آن زمان در جبهه ها بود و از طرف دیگر، شرایط سیاسی و بین المللی هم رد آشکار قطعنامه را دشوار می کرد. سرانجام، ایران در تاریخ ۲۶ تیرماه ۱۳۶۷ در نامه ای به دبیرکل سازمان ملل متحد اطلاع داد که بطور رسمی قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفته است.

علل پذیرش قطعنامه ۵۹۸

در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ عوامل متعددی دخالت داشت که در اینجا به برخی از آن ها اشاره می شود:

۱- تقویت توان نظامی عراق: نیروهای مسلح عراق بشدت تقویت شده بود، به طوری که این کشور دارای چهارمین ارتش مسلح در جهان بود. این ارتش با کمک کشورهای غربی به انواع تجهیزات نظامی پیشرفته، از قبیل سلاح های شیمیایی، میکروبی و موشک های بالستیک مجهز شده بود و برای دستیابی به سلاح های هسته ای به سرعت تلاش می کرد. کاربرد وسیع سلاح های مذکور توسط عراق و واکنش ضعیف مجامع بین المللی نگرانی هایی را در ایران به وجود آورده بود.

۲- پیشروی ارتش عراق در خاک ایران: ارتش عراق به دنبال بازپس گیری شبه جزیره فاو، شروع به پیشروی در برخی از مناطق کرد. این پیشروی که همراه با آتش شدید و استفاده وسیع از سلاح های شیمیایی بود، موجب شدتای نیروهای مسلح ایران در جبهه ها حالت تدافعی بگیرند، به طوری که در مدت چند ماه وضع جبهه ها به زیان ایران تغییر پیدا کرد.

۳- تحریم تسلیحاتی ایران: هر چند که ایران در اواخر جنگ در دست یابی به سلاح های مورد نیاز با مشکلاتی مواجه شده بود، اما در صورت عدم پذیرش قطعنامه با مسأله تحریم تسلیحاتی روبرو می شد. دولتهای آمریکا و انگلیس به صراحت اعلام کرده بودند که در صورت عدم پذیرش قطعنامه، در صدد تحریم

□ به دنبال پذیرش رسمی قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از طرف ایران، جنگی که به مدت ۸ سال بین ایران و عراق جریان داشت به پایان رسید و آتش بس میان دو کشور برقرار شد. پس از آن، ابتدا مذاکرات به صورت چند جانبه میان ایران و عراق با نظارت سازمان ملل متحد و سپس به صورت دوجانبه به منظور اجرای مفاد قطعنامه ۵۹۸ آغاز شد. مذاکرات به علت سال ها جنگ و خونریزی بسیار سخت و دشوار بود و نسبتاً بطول انجامید. سرانجام، با پافشاری ایران و شرایط بین المللی خاصی که به وجود آمد، مذاکرات و مکاتبات بین دو کشور منجر به پذیرش عهدنامه مرزی و حسن همجواری ۱۹۷۵ از طرف عراق، عقب نشینی نیروهای عراقی از خاک ایران، آزادی اسراء، اعلام متجاوز بودن عراق و تعیین میزان خسارت وارده به ایران گردید. در مقاله ای که می خوانید، روند تحولات مذکور مورد بررسی قرار گرفته و در پایان اشاره ای هم به مسائل معوقه در روابط دو کشور شده است.

نگاهی به قطعنامه ۵۹۸

محور مذاکرات ایران و عراق در چند سال گذشته قطعنامه ۵۹۸ بوده است. بنابراین، ضروری است که ابتدا به مفاد این قطعنامه اشاره شود. شورای امنیت سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۹ تیرماه ۱۳۶۶ قطعنامه ۵۹۸ را تصویب کرد. این قطعنامه در زمانی صادر شد که ایران از نظر نظامی در جبهه ها در موقعیت برتری قرار داشت. اکثر عملیات نظامی که در این زمان صورت گرفت در خاک عراق جریان داشت. قطعنامه ۵۹۸ دارای یک مقدمه و ۱۰ بند می باشد. بند اول قطعنامه، خواستار برقراری آتش بس فوری در زمین، دریا و هوا و بازگشت بی درنگ تمام نیروها به مرزهای شناخته شده بین المللی است. بند دوم قطعنامه از دبیرکل می خواهد که «گروهی از ناظران سازمان ملل متحد را برای تأیید، تحکیم و نظارت بر آتش بس و عقب نشینی به مرزها اعزام دارد». بند سوم خواستار آزادی بی درنگ اسرای جنگی دو کشور بر اساس کنوانسیون سوم ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ می باشد. بند چهارم قطعنامه از ایران و عراق می خواهد که با دبیرکل در مورد اجرای قطعنامه برای رسیدن به یک حل و فصل جامع، عادلانه، شرافتمندانه و مورد قبول طرفین همکاری کنند. بند پنجم از همه دولتها می خواهد از هر اقدامی که منجر به گسترش بیشتر محاصره شود، خودداری نمایند. در بند ششم از دبیرکل خواسته شده که ضمن مشورت با ایران و عراق، کار تحقیق در مورد مسئولیت محاصره را به هیأتی بی طرف واگذار کند. بند هفتم از دبیرکل می خواهد به منظور بررسی خسارات وارده و مسأله بازسازی از طریق کمک های بین المللی هیأتی را تعیین کند. بند هشتم به راه های افزایش امنیت و ثبات منطقه اشاره دارد. در بند نهم از دبیرکل درخواست شده که شورای امنیت را به طور مداوم از اجرای این قطعنامه آگاه نماید. در بند دهم گفته شده که شورای امنیت تصمیم دارد که برای در نظر گرفتن اقدامات بیشتر و تضمین اجرای این قطعنامه در صورت ضرورت جلساتی تشکیل دهد.

دو روز بعد از صدور قطعنامه ۵۹۸، دولت عراق آن را پذیرفت، مشروط به اینکه ایران نیز آن را بپذیرد. دولت عراق در این مورد اعلام داشت: «تعهد

اصولی رسیده بودند.

۶- شرایط اقتصادی نامطلوب ایران: یکی از علل پذیرش آتش بس مشکلات اقتصادی کشور بود. رئیس جمهوری اسلامی ایران در این مورد اظهار داشته اند: «یکی از عوامل پذیرش آتش بس نامه ای بود که وزیر اقتصاد و مسئولان اقتصادی کشور نوشتند. این نامه حاکی از این بود که امکانات اقتصادی، بودجه، درآمد و هزینه های کشور به خط قرمز رسیده و تاحدودی از خط قرمز هم گذشته است که دیگر قابل تحمل برای جامعه نیست.»^(۳)

کاهش بهای نفت در سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ موجب شد تا درآمدهای نفتی ایران به ۵/۸ میلیارد دلار در سال تنزل یابد. براساس گزارش بانک مرکزی در سال ۱۳۶۷ اثرات زیانبار کاهش درآمدهای نفتی در بخشهای اقتصادی، به صورت کاهش بیشتر سطح تولید و کارایی و در بودجه عمومی و موازنه پرداخت های کشور به صورت تشدید عدم تعادل بروز نمود.»^(۴)

به گفته رئیس کل بانک مرکزی، میزان کسری بودجه در سال ۱۳۶۷ به رقم ۲۴۰۰ میلیارد ریال (۵۰ درصد بودجه دولت) رسید.^(۵) همچنین براساس اظهارات وی، نرخ تورم در این سال به ۲۸۰۹ درصد بالغ شد.^(۶)

برقراری آتش بس

پس از پذیرش رسمی قطعنامه ۵۹۸ از طرف ایران و انجام مذاکرات با دبیرکل سازمان ملل متحد، آتش بس میان ایران و عراق از تاریخ ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ (۲۰ اوت ۱۹۸۸) برقرار شد. سپس شورای امنیت سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۸ مرداد ۱۳۶۷ قطعنامه ۶۱۹ را تصویب کرد که به موجب آن گروه ناظران نظامی ایران، عراق و سازمان ملل متحد (یونیمک) تشکیل و عازم مرزهای ایران و عراق شد. نیروهای یونیمک حدود ۴۰۰ نفر بودند که از ۲۵ ملیت مختلف تشکیل شده بود و در دو کشور مستقر شدند. وظایف نیروهای یونیمک عبارت بود از:

- ۱- تأیید، تحکیم و نظارت بر آتش بس.
- ۲- نظارت بر عقب نشینی نیروها به مرزهای شناخته شده بین المللی.
- ۳- کمک به طرفین برای حل مسائل محلی که احتمالاً در مورد تعیین دقیق

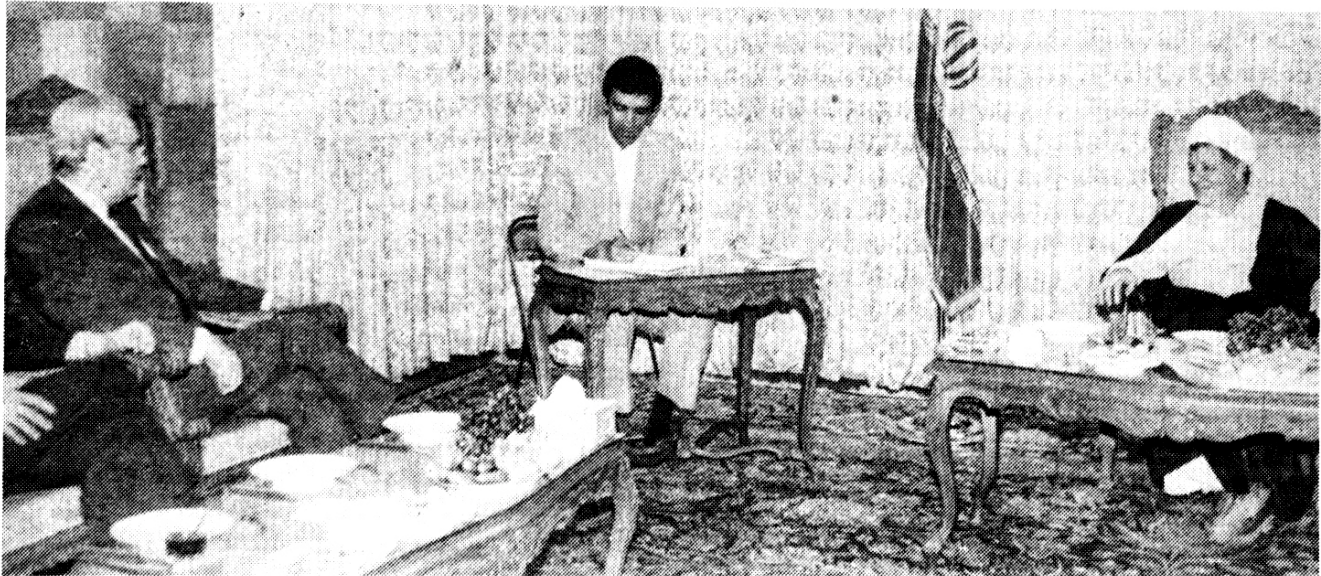
تسلیماتی ایران بخواهند آمد. به طور کلی، آمریکا در تصمیم خود، مبنی بر پایان دادن به جنگ ایران و عراق، حتی با توسل به زور، مصمم شده بود. براین اساس، رونالد ریگان رئیس جمهوری آمریکا خواستار آن شد که ایران صریحاً بگوید که قطعنامه را میپذیرد یا نه؟ ریگان همچنین گفت: «در صورت منفی بودن پاسخ ایران، شورای امنیت راهی جز اعمال مجازات علیه ایران و وادار کردن این کشور به قبول آتش بس ندارد.»^(۷)

۴- تهدیدات نظامی آمریکا علیه ایران: در بند ۱۰ قطعنامه ۵۹۸ از «اقدامات بیشتر برای رعایت و اجرای قطعنامه» صحبت شده است که به طور تلویحی اشاره به احتمال توسل به مواد ۴۱ و ۴۲ منشور سازمان ملل متحد دارد. ماده ۴۱ در مورد اعمال تحریم و ماده ۴۲ در مورد استفاده از نیروی نظامی است. بنابراین، در صورت خودداری ایران از پذیرش قطعنامه، امکان صدور قطعنامه های دیگری که اجازه استفاده از نیروی نظامی را به آمریکا بدهد، بسیار زیاد بود. در واقع، همان روشی که آمریکا از طریق سازمان ملل متحد در مورد اشغال کویت پیش گرفت، در مورد ایران نیز می توانست به کار گیرد.

حضور گسترده و بی سابقه نیروهای نظامی آمریکا و متحدین این کشور نیز در خلیج فارس امکان حملات گسترده به مراکز حساس و استراتژیک در داخل خاک ایران را فراهم آورده بود. حمله به هواپیمای مسافربری ایران که منجر به شهادت ۲۹۰ نفر سرنشین آن شد، در واقع به منزله يك اخطار به ایران بود.

۵- شرایط نامساعد بین المللی: در این زمان، فشارهای بین المللی علیه ایران برای پایان دادن به جنگ بیش از هر زمان دیگر بود. مردم ایران و عراق و جامعه بین المللی پس از ۸ سال جنگ در مجموع خواستار پایان گرفتن آن بودند. در این میان، دولت عراق با پذیرش قطعنامه های شورای امنیت و قبول نظریات افراد و هیات های میانجیگری، همواره موافقت خود را برای پایان دادن به جنگ اعلام کرده بود. در نتیجه، عراق در نظر افکار عمومی و جامعه بین المللی صلح طلب و ایران جنگ طلب معرفی شده بود. از طرف دیگر، آمریکا و شوروی در اجلاس های ریکیاویک، واشنگتن و بالاخره مسکو، در مورد حل و فصل چندین منازعه از جمله مسئله افغانستان و جنگ ایران و عراق به تفاهم





اواخر خرداد ۱۳۶۸ آمده است: «کنفرانس همبستگی کامل خود را با عراق در حفظ وحدت و یکپارچگی خاک خود و حاکمیت عراق بر شط العرب (اروند رود) اعلام می‌دارد. همچنین دعوت از سازمان ملل برای لایروبی شط العرب (اروند رود) را مورد تأیید قرار میدهد.»^(۸) این مساله در اجلاس کمیته دائمی همکاریهای عربی - آفریقایی در کویت، تکرار شد.

حمایتهای یک طرفه رهبران کشورهای عربی از عراق موجب با فشاری این کشور در مواضع غیراصولی خود و در نتیجه ادامه بن بست مذاکرات صلح بین ایران و عراق شد. علاوه بر آن، برخی دولتهای غربی نیز منافع خود را در ادامه بن بست مذاکرات صلح می‌دیدند. دولتهای مذکور به ویژه آمریکا خواستار ادامه حالت «نه جنگ نه صلح» تا زمانی که تغییری در سیاست خارجی ایران نسبت به غرب مشاهده نشود، بودند.

در این میان دولت شوروی سابق از اجرای قطعنامه ۵۹۸ حمایت می‌کرد و خواستار خروج نیروهای عراقی از اراضی اشغالی ایران بود. گنادی گراسیموف سخنگوی وزارت خارجه شوروی در خرداد ماه سال ۱۳۶۸ اظهار داشت: «اتحاد جماهیر شوروی از قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد حمایت می‌کند و تأکید دارد که نیروهای ارتش عراق باید ضمن خروج از سرزمینهای ایران در نوار مرزی تعیین شده در قرارداد ۱۹۷۵ استقرار یابند.»^(۹)

الکساندر بسمرتنیک معاون وزارت خارجه شوروی نیز در تیرماه ۱۳۶۸ آمادگی کشور متبوعش را برای مساعدت همه جانبه در زمینه حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات میان ایران و عراق اعلام کرد.

شوروی برای حل مسائل ایران و عراق و خروج از بن بست مذاکرات صلح، پیشنهاد میانجیگری میان دو کشور را مطرح کرد. وزارت خارجه شوروی در این رابطه اعلام کرد که پیشنهاد میانجیگری در جهت حمایت از تلاشهای دبیرکل است و تداخلی با طرحهای وی ندارد. شوروی در این راستا از وزرای امور خارجه ایران و عراق دعوت کرد تا برای انجام مذاکرات سه جانبه به مسکو سفر کنند. ایران ضمن موافقت با پیشنهاد شوروی آن را موکول به ارائه طرح مشخص برای مذاکرات از طرف این کشور نمود. به هر حال، تلاشهای شوروی هم به نتیجه نرسید و بن بست مذاکرات ادامه یافت.

تلاشهای جدید دبیرکل سازمان ملل

در سالهای ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ هیچ گونه پیشرفتی در جهت اجرای قطعنامه ۵۹۸ صورت نگرفت. اما از اواخر سال ۱۳۶۸ تغییرات مهمی در سیاستهای داخلی و خارجی ایران و عراق روی داد که بر روند مذاکرات صلح بین دو کشور تأثیر گذاشت. باروی کار آمدن دولت جدید در ایران، روابط ایران با غرب بطور نسبی بهبود یافت و با شروع برنامه‌های بازسازی ایران، دولتهای غربی تمایل خود را به شرکت در آن نشان دادند. از سوی دیگر، در پی وقوع یک سلسله حوادث مهم، روابط خارجی عراق با غرب، به ویژه آمریکا، از اواخر سال ۱۳۶۸

خطوط مرزی و عقب نشینی به مرزهای بین المللی و با تیراندازی اتفاقی پدید آید.

۴- کمک به طرفین برای ایجاد یک منطقه حائل در طول مرزهای دو کشور.

آغاز مذاکرات صلح

نخستین دور مذاکرات صلح بین ایران و عراق با نظارت سازمان ملل متحد، در سوم شهریور ۱۳۶۷ به طور رسمی در ژنو آغاز شد. در این مذاکرات دولت عراق دو پیش شرط را مطرح کرد:

- لایروبی اروندرود

- آزادی کشتیرانی در خلیج فارس

در مقابل، ایران اعلام نمود که نه پیش شرطی را مطرح خواهد کرد و نه پیش شرطی را از طرف مقابل خواهد پذیرفت.

عراق با در اختیار داشتن بخشی از خاک ایران، تصور می‌کرد که می‌تواند برای گرفتن امتیاز، ایران را تحت فشار قرار دهد. از طرف دیگر، طرح آزادی کشتیرانی در خلیج فارس مطابق با درخواست دولتهای غربی بود و به همین جهت از عراق حمایت می‌کردند.

به علت با فشاری عراق در مورد درخواستهایش و عدم پذیرش آن از طرف ایران، پیشرفتی در مذاکرات صورت نگرفت. از اینرو، برای شکست بن بست مذاکرات، دبیرکل سازمان ملل متحد در ۹ مهر ۱۳۶۷ طرحی مشتمل بر ۴ ماده به دولتهای ایران و عراق پیشنهاد کرد که رنوس آن عبارتند از:

۱- آزادی کشتیرانی در خلیج فارس.

۲- دادن اولویت به حل و فصل مساله شط العرب (اروند رود).

۳- توافق در مورد مراحل مبادله اسرای جنگی.

۴- عقب نشینی نیروهای دو کشور به مرزهای بین المللی.

دبیرکل سازمان ملل در این طرح خواستهای عراق را مورد توجه قرار داده بود. اما این طرح نیز با شکست مواجه شد. به دنبال آن، دبیرکل «یان الیاسون» نماینده ویژه خود را مأمور پیگیری اجرای قطعنامه ۵۹۸ نمود. وی در سالهای ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ دوبار به تهران و بغداد سفر کرد، اما نتوانست موافقت دولتهای ایران و عراق را برای آغاز مذاکرات صلح و اجرای قطعنامه ۵۹۸ به دست آورد.

ایران در سال ۱۳۶۸ برای شکستن بن بست مذاکرات، پیشنهاد عقب نشینی همزمان نیروها و مبادله اسراء را مطرح کرد، اما دولت عراق با رد این پیشنهاد، عقب نشینی نیروها را به مرزهای شناخته شده بین المللی موکول به حل مساله اروندرود کرد. دولت عراق در این زمینه اعلام داشت: «تا زمانی که ایران حق حاکمیت عراق بر اروندرود را نپذیرد، عقب نشینی نیروها انجام نخواهد شد.»^(۱۰) دولت عراق در اتخاذ این موضع غیراصولی از حمایت کشورهای عربی نیز برخوردار بود. به عنوان مثال: در قطعنامه کنفرانس سران عرب در مراکش در

موقوفه بر اساس اصول مدون سازمان ملل، با کسازای شط العرب (اروند رود) به منظور قابل کشتیرانی کردن این آبراه در جهت منافع دو کشور.

۵- پیگیری دبیرکل از طریق مشورت با ایران و عراق برای تحقیق منصفانه در مورد مسئله تعیین متجاوز.

۶- تشکیل یک تیم کارشناسی از سوی دبیرکل برای مطالعه مسئله بازسازی

۷- مشورت دبیرکل با ایران و عراق و دیگر کشورهای منطقه در جهت ارزیابی تدابیری برای تحکیم امنیت و ثبات منطقه.

۸- اطمینان متقابل برای اجرای تمامیت قطعنامه جهت ایجاد صلح و روابط خوب همسایگی.

ایران با ارزیابی مثبت طرح دبیرکل اعلام کرد که در مورد جزئیات آن نظراتی دارد که در مذاکره با دبیرکل تبیین خواهد شد.

وزیر امور خارجه ایران در مورد طرح پیشنهادی دبیرکل اظهار داشت: «آقای دکونبار سعی کرده است که مقدار قابل ملاحظه‌ای از نظرات عراق را در این پیشنهاد بگنجانند. ما امیدواریم که این پیشنهاد در عمل، علی‌الخصوص پس از واکنش عراق، موجب نشود که به قطعنامه، از جانب عراق بی‌توجهی شود.»^(۱۲)

عراق نیز بطور کلی موافقت خود را با دستور کار جدید دبیرکل اعلام کرد، اما اظهار داشت در این مورد نظراتی دارد که برای بررسی به دبیرکل ارائه داده است.

مبادله نامه‌ها بین رؤسای جمهور دو کشور

در اول اردیبهشت ۱۳۶۹ (۲۱ آوریل ۱۹۹۰) صدام حسین رئیس جمهور عراق در یک اقدام بی‌سابقه نامه‌ای برای مقامات ایرانی ارسال کرد. در این نامه، ضمن اشاره به تهدیدهای صهیونیسم و برخی ابرقدرتها و کشورهای بزرگ علیه عراق و امت عرب، آمده است: «این نیروهای شرور که امید داریم به یاری خدا آرزوهایشان نقش بر آب شود و تیرهایشان به خنجر رود، حتماً برای از سرگیری ستیز مسلحانه و خونین بین ایران از یک طرف و امت عربی از طرف دیگر، خواهند کوشید.»

صدام حسین در این نامه ضمن پیشنهاد مذاکره مستقیم بین رؤسای جمهوری دو کشور در مکه مکرمه اظهار داشته بود: «به اعتقاد ما، در ملاقات مستقیمی که باهم خواهیم داشت، دست‌یابی به آنچه عراق حق تلقی می‌کند و آنچه ایران حق تلقی می‌کند، قابل تحقیق است.»

هدف صدام حسین از ارسال این نامه حل سریع اختلافات خود با ایران به منظور اجرای طرح اشغال کویت بود. عراق نیاز داشت تا هرچه زودتر نیروهای خود را از جبهه شرقی آزاد و آنها را به جبهه جدیدی که در حال شکل‌گیری بود اعزام کند. هدف دیگر عراق کسب حمایت ایران و احتمالاً تشکیل جبهه متحدی با ایران در آینده نزدیک بود. به هر حال، ایران در پاسخ نامه عراق، ضمن استقبال از انجام مذاکرات مستقیم بین رؤسای جمهوری دو کشور، اعلام کرد: این مذاکرات باید به گونه‌ای باشد که خللی به اعتبار قطعنامه ۵۹۸ که چارچوب مناسبی برای حل و فصل اختلافات است، وارد نکند.

بعد از آن چند نامه دیگر بین رؤسای جمهور دو کشور مبادله شد. عراق در نامه‌ای دیگر در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۹ تنها راه دست‌یابی به صلح را در مذاکرات مستقیم دانسته بود.

اما ایران در پاسخ و در نامه مورخ ۲۸ خرداد ۱۳۶۹ ضمن حمایت از حضور دبیرکل سازمان ملل متحد در جریان مذاکرات، اعلام کرد: «طبیعی است که در طول مذاکرات مقدماتی، دبیرکل سازمان ملل متحد در جریان مذاکرات قرار خواهد گرفت و در مواقع و موارد لازم از نظرات و ابتکارهای ایشان در راه تحکیم صلح استفاده میشود و از انحصار راه صلح به مذاکره مستقیم (انگونه که در نامه دوم اشاره رفته بود) بپرهیز خواهد شد و راه‌های دیگر، منجمله راه اصلی را که قسمتی از آن بیموده شده، به روی خود نمی‌بندیم.»

درواقع، ایران نسبت به حسن نیت عراق تردید داشت. این تردید بی‌مورد هم نبود؛ زیرا، سراق از همان آغاز مذاکرات در سال ۱۳۶۷ پیشنهاد مذاکرات دوجانبه را کرده بود. عراق تلاش می‌کرد به نقش دبیرکل سازمان ملل در

□ با صدور قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، فشارهای بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران برای پایان دادن به جنگ بیش از هر زمان شدت گرفت.

□ حمایت‌های یک طرفه رهبران کشورهای عربی از عراق موجب پافشاری این کشور بر مواضع غیراصولی خود و در نتیجه، ادامه بن بست مذاکرات صلح بین ایران و عراق شد. دولت‌های غربی هم منافع خود را در ادامه این بن بست می‌دیدند.

□ سازمان ملل متحد پس از ۱۱ سال جنگ تحمیلی علیه ایران، سرانجام اعتراف کرد که عراق متجاوز است.

به بعد رو به تیرگی نهاد. در ۲۵ بهمن ۱۳۶۸ (۱۴ فوریه ۱۹۹۰) رادیو آمریکا گفتاری را بخش کرد که در آن سرنگون کردن دیکتاتورهای جهان، از جمله صدام حسین مطرح شده بود.^(۱۳)

در نوزدهم فوریه، صدام حسین در اجلاس نخست وزیران شورای همکاری عرب که در بغداد تشکیل شد، از آمریکا خواست کشتی‌های خود را از خلیج فارس بیرون ببرد. مقامات آمریکایی سخنان صدام را ابتدا واکنش او نسبت به گفتار صدای آمریکا تعبیر کردند. اما وی پنج روز بعد در اجلاس سران کشورهای عضو شورای همکاری عرب در امان سخنان خود را دوباره تکرار کرد. علاوه بر آن، خواستار آزادی بیت المقدس شد. وی خطاب به رهبران عرب گفت: «ما می‌توانیم چراغهای برنور بیت المقدس را مشاهده کنیم. به این ترتیب، نشانه‌های جاده آزادسازی بیت المقدس روشن است.»^(۱۴)

چندی بعد، صدام گفت که در صورت حمله اسرائیل به عراق، با سلاح‌های شیمیایی خود نیمی از اسرائیل را در آتش می‌سوزاند. این اظهارات موجب شد تا برخی دولت‌های غربی به ویژه آمریکا که در طول ۸ سال جنگ از صدام حمایت کرده بودند، در مقابل او قرار گیرند.

تحت این شرایط، شورای امنیت سازمان ملل متحد برای نخستین بار پس از حدود دو سال، با صدور اعلامیه‌ای، حمایت کامل خود را از تلاش‌های دبیرکل سازمان ملل برای برگزاری مذاکرات مستقیم بین ایران و عراق اعلام کرد. شورای امنیت در این اعلامیه از دبیرکل خواست که در مدت دو ماه و با دستور کار مشخص برای انجام مذاکرات مستقیم بین ایران و عراق، تحت نظر خود بکوشد و در پایان این مدت، شورای امنیت از نتایج کار و نیز اقدامات بعدی برای اجرای کامل قطعنامه ۵۹۸ آگاه سازد. شورای امنیت در این اعلامیه، با اشاره به عدم اجرای قطعنامه ۵۹۸ پس از گذشت ۱۸ ماه از اجرای آتش‌بس، از دو کشور ایران و عراق خواست که با دبیرکل همراهی کنند.

در پی صدور این اعلامیه، دبیرکل سازمان ملل متحد دستور کار پیشنهادی خود را برای از سرگیری مذاکرات صلح میان ایران و عراق به این شرح مطرح ساخت:

۱- فراهم آوردن ترتیبات بعدی آتش‌بس، آزادی کشتیرانی در آب‌های آزاد و تنگه هرمز.

۲- عقب‌نشینی نیروها به مرزهای شناخته شده بین‌المللی بدون تأخیر و با تأیید و نظارت سازمان ملل متحد.

۳- آزادی و بازگشت اسرای جنگی به میهن‌شان بدون تأخیر و بر اساس کنوانسیون سوم ژنو مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹.

۴- همکاری با دبیرکل در تلاش‌های میانجیگرانه وی برای دست‌یابی به یک توافق جامع، عادلانه و آبرومندانه، قابل قبول طرفین، در برگیرنده همه مسائل

در تیرماه ۱۳۶۹ در ژنو بود.

گرچه وزرای خارجه دو کشور از سال ۱۳۶۷ به بعد در چهار دور مذاکره شرکت کردند، اما با یکدیگر به طور مستقیم صحبت نکردند و نظرات خود را از طریق دبیرکل سازمان ملل منعکس می کردند. در این دور مذاکرات، طرفین پایبندی خود را به قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت اعلام و تاکید کردند که از نقش دبیرکل به عنوان ناظر و مسئول اجرای کامل و جامع قطعنامه ۵۹۸ حمایت می کنند.

در ۸ مرداد ۱۳۶۹ (۳۰ ژوئیه ۱۹۹۰) عراق نامه دیگری به ایران نوشت که در آن برای نخستین بار به مسائل مهم پرداخته شده بود. این نامه ظاهراً بیانگر آن بود که عراق از مواضع قبلی خود در مورد اروندرود عدول کرده است. در این نامه عراق پیشنهاد کرده بود که مذاکره در مورد اروندرود بر مبنای سه محور صورت گیرد:

الف: حاکمیت کامل بر رودخانه متعلق به عراق باشد، زیرا که حق تاریخی و مشروع آن است (!)

ب: اعمال حاکمیت در شط العرب (اروندرود) از سوی عراق، توأم با اجرای

مذاکرات اهمیت زیادی داده نشود. در این مورد یک مقام ارشد وزارت امور خارجه عراق نیز گفته بود که: «صلح فقط باید به وسیله دو کشور ذریبط برقرار شود و بقیه باید در این جهت کمک کنند.»

واقعه ای که در این زمان روی داد، سوءظن ایران را نسبت به مقاصد واقعی عراق بیشتر کرد. در خرداد ۱۳۶۹ (مه ۱۹۹۰) کنفرانس سران عرب در بغداد تشکیل شد. در بیانیه پایانی اجلاس عرب در بغداد، نسبت به «حاکمیت عراق بر شط العرب (اروندرود)» و آزادی اسراء در خارج از چارچوب قطعنامه ۵۹۸ تاکید شده بود. وزارت امور خارجه ایران با انتشار بیانیه ای، ضمن محکوم کردن موضع جانبدارانه حکام عرب نسبت به ادعاهای توسعه طلبانه عراق، قطعنامه پایانی اجلاس فوق العاده سران عرب در بغداد را زمینه ساز استمرار ادعاهای ارضی عراق نسبت به خود این کشورها دانست. در قسمتی از این بیانیه آمده است:

«تلاش رژیم عراق در اجلاس فوق العاده سران عرب، در کشاندن کشورهای عربی به اتخاذ موضعی جانبدارانه نسبت به ادعاهای توسعه طلبانه این رژیم بر اروندرود که بهانه جنگ تحمیلی بوده و تن دادن سران عرب به این



شیوه خط تالوگ در زمینه کشتیرانی به نحوی که عراق و ایران از حق کشتیرانی، ماهیگیری و شرکت در تنظیم امور کشتیرانی در شط العرب (اروندرود) برخوردار شوند و سود حاصله از آن را تقسیم کنند.

ج: ارجاع مساله شط العرب (اروندرود) به حکمیت، در چارچوب فرمولی که مورد توافق قرار گیرد؛ همراه با تعهد قبلی مبتنی بر پذیرش نتایج حکمیت و تازمانی که مرجع حکمیت اعلان رأی کند، لایروبی شط العرب (اروندرود) براساس فرمول توافق طرفین، به قصد مهیا کردن آن برای کشتیرانی و بهره برداری، آغاز شود.

«توافق بر این فرض مبتنی است که طرفین متفقاً یکی از عنوان های سه گانه فوق را انتخاب خواهند کرد، با این ملاحظه که عنوان نخست بیانگر حق عراق است و فرض ما بر این است که دو عنوان دیگر نشانگر تمایل ایران است.»^(۱۶)

در مورد عقب نشینی نیروهای عراقی به مرزهای شناخته شده بین المللی نیز پیشنهاد شده بود: عقب نشینی در کمتر از دو ماه از تاریخ تصویب نهایی توافق همه جانبه طرفین، صورت بگیرد و هرچه زمان کوتاهتر شود، بهتر است... در مورد آزادی اسراء نیز به همین ترتیب عمل خواهد شد.

عراق در این نامه خواستار نادیده گرفتن بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ مبنی بر تعیین مسئولیت آغاز محاصره شده بود، زیرا به نظر عراق، این بند «نه تنها فایده ای برای صلح در بر ندارد، بلکه موانعی بر سر راه آن می گذارد و چه بسا عواقب آن کینه توزی، دشمنی و انتقامجویی در آینده را موجب خواهد شد.»

سه روز پس از ارسال این نامه، خبرگزاری ها گزارش دادند که نیروهای عراقی از مرز کویت گذشته و این کشور را به اشغال خود درآورده اند. ایران اشغال کویت را محکوم کرد و خواستار خروج نیروهای عراقی و اعاده

خواست نامشروع که در بیانیه پایانی این اجلاس متبلور است، نقش مخرب این کشورها را در طول جنگ و نقش بی ارزش آنان در فرآیند صلح مشخص می سازد.

مواضع یکجانبه و غیرمسئولانه ای که در ارتباط با مذاکرات صلح ایران و عراق در بیانیه پایانی آمده است، علاوه بر اینکه نشانه بی پایه بودن ادعاهای صلح خواهی عراق است، مواضع کشورهای عرب در ضرورت تحقق صلح پایدار بین دو کشور و امنیت و ثبات در منطقه را به صورت جدی زیر سوال می برد؛ زیرا آنان به خوبی می دانند که حمایت از ادعاهای توسعه طلبانه رژیم عراق هرگز صلح و امنیت را به منطقه باز نخواهد گرداند، بلکه با استمرار «حالت نه جنگ نه صلح» زمینه را برای تثبیت ادعاهای ارضی که نسبت به خود این کشورها وجود دارد، آماده تر خواهد ساخت^(۱۳).

وزیر امور خارجه ایران نیز باره ادعاهای مربوط به اروندرود، آزادی اسراء در خارج از چارچوب قطعنامه ۵۹۸ را غیرمنطقی دانست و اظهار داشت: «بیانیه اجلاس پایانی سران عرب در بغداد خلاف ادعای رژیم عراق در مورد خواست این رژیم برای نیل به صلح است.»^(۱۴)

در نامه مورخ ۲۸ خرداد ۱۳۶۹ رئیس جمهوری اسلامی ایران به رئیس جمهوری عراق نیز در این مورد آمده است:

«متأسفانه اظهارات نامناسبی که در قطعنامه اجتماع سران عرب در بغداد در رابطه با مسائل قطعنامه ۵۹۸ و حقوق عراق و ایران انعکاس یافت، می تواند مشکلی در راه حصول اعتماد و اطمینان به حسن نیت و صلح دوستی گردد که نیاز به جبران دارد.»^(۱۵)

به هرحال، یکی از نتایج مبادله نامه بین رؤسای جمهوری دو کشور برگزاری نخستین دور مذاکرات مستقیم بین وزرای امور خارجه ایران و عراق

عنوان «هیأت نظارت بر عقب نشینی و نصب علائم مرزی» تشکیل شد. وظیفه این هیأت نظارت بر عقب نشینی کامل نیروهای عراقی، پاکسازی میادین مین، تعیین محل و نصب میله‌های مرزی جدید براساس عهدنامه ۱۹۷۵ بود. به موجب عهدنامه مذکور ۷۵۰ میله مرزی در طول ۱۲۵۰ کیلومتر مرزهای دو کشور نصب شده بود. در طول جنگ حدود ۴۵۰ میله مرزی جایجا و یا تخریب شد و فقط ۲۵۰ میله مرزی سالم برجای ماند. مختصات این میله‌ها در ضمیمه پروتکل مربوط به علامت گذاری مجدد مرز زمینی بین ایران و عراق ۱۹۷۵ آورده شده است.^(۱۹) به همین جهت، براساس اسناد مذکور و نقشه‌های موجود، محل نصب این میله‌ها مشخص می‌باشد.

بهبود روابط ایران و عراق

به دنبال پذیرش عهدنامه مرزی و حسن همجواری ۱۹۷۵ و عقب نشینی نیروهای عراقی به مرزهای شناخته شده بین المللی، ایران با پیشنهاد عراق مبنی بر اعزام هیاتی به تهران که در نامه‌های قبلی رئیس جمهوری این کشور مطرح شده بود، موافقت کرد. متعاقباً، هیاتهای متعددی از پایتخت‌های دو کشور دیدار کردند. طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق در شهریور ماه ۱۳۶۹ به ایران آمد و در دیدار وی با مقامات ایران این مسائل مورد بحث قرار گرفت.

۱- نصب میله‌های مرزی.

۲- مبادله باقیمانده اسراء.

۳- بحران خلیج فارس.

۴- ایجاد تسهیلات لازم برای مردم دو کشور جهت زیارت عتبات عالیات.
۵- از سرگیری روابط دوجانبه و بازگشایی سفارت خانه‌های دو کشور.

وی قبل از ترک تهران، نتایج مذاکرات را مثبت ارزیابی کرد و گفت:

«این مذاکرات جدی، عملی و دوستانه بود»^(۲۰) اما به نظر می‌رسد که این گفتگوها چندان هم مثبت نبوده است. زیرا از موضوعات مورد توافق تنها بند ۵ به اجراء درآمد و سفارت خانه‌های دو کشور در ۲۲ مهرماه ۱۳۶۹ گشایش یافت. سفارت خانه‌های ایران و عراق در زمان جنگ دایر بود و تنها از شهریور ۱۳۶۶ تعطیل شد. اما در مورد سایر بندها اقدامی نشد. عراق از بازگرداندن ۵ هزار نفر دیگر از اسرای ایرانی خودداری کرد و در مورد بند یک، یعنی نصب میله‌های مرزی هم که مهمترین مسأله بود، اقدامی صورت نگرفت.

اما سفر طارق عزیز به ایران موجبات نگرانی برخی دولت‌های غربی را فراهم نمود. دولت‌های مذکور از توسعه روابط عراق با ایران آن هم در زمانی که عراق در جامعه بین المللی منزوی شده بود، خشنود نبودند. آن‌ها ادعا می‌کردند که ایران مفاد قطعنامه‌های سازمان ملل متحد در مورد اعمال تحریم اقتصادی علیه عراق را نادیده می‌گیرد. به عنوان مثال: در مطبوعات غرب عنوان شد که عراق از طریق ایران نفت خود را صادر می‌کند. همچنین گفته شد که دو کشور توافق کرده‌اند، با صدور نفت عراق به ایران، بخشی از خسارات جنگی ایران پرداخت شود.

نماینده ایران در سازمان ملل متحد انتقال و صدور نفت عراق از طریق خاک ایران را تکذیب کرد، اما در مورد امکان پرداخت غرامت جنگی از طرف عراق به وسیله نفت اظهار داشت: «این مسأله امکان جالبی است، اما بدان معنا نیست که در این زمینه قراردادی بسته شده باشد»^(۲۱). به هر حال، با صدور قطعنامه‌های سازمان ملل مبنی بر تحریم اقتصادی عراق، متعاقب اشغال کویت، صادرات نفت عراق قطع شد. ایران نیز اعلام کرد که قطعنامه‌های سازمان ملل متحد در مورد تحریم اقتصادی عراق را کاملاً رعایت می‌کند. علاوه بر آن، ایران به منظور کاهش نگرانی برخی کشورها از توسعه روابط بین ایران و عراق، اظهار داشت که موضوع مذاکرات صلح بین دو کشور جدا از مسئله کویت و بحران خلیج فارس است و در چارچوب اجرای مفاد قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل صورت می‌گیرد.

به منظور پیگیری مسائلی مورد مذاکره در سفر معاون وزارت امور خارجه ایران به بغداد در شهریور ۱۳۶۹ و معاون وزارت خارجه عراق به تهران در مهر ۱۳۶۹ طرفین توافق کردند تا کمیسیون‌هایی برای نصب میله‌های مرزی، آزادی اسراء و زیارت اماکن مقدسه تشکیل دهند. هر چند سفر مقامات ایران به بغداد بعد از ۱۰ سال صورت

استقلال و حاکمیت این کشور شد. سازمان ملل متحد و اکثر کشورهای جهان نیز ضمن محکوم کردن اشغال کویت، خواستار حفظ استقلال و حاکمیت این کشور و خروج نیروهای عراقی شدند.

پذیرش مجدد عهدنامه ۱۹۷۵

۱۲ روز بعد از اشغال کویت، یعنی در ۲۴ مرداد ۱۳۶۹ (۱۴ اوت ۱۹۹۰)، رادیو بغداد برنامه‌های عادی خود را قطع و نامه رئیس جمهوری عراق مبنی بر پذیرفتن عهدنامه ۱۹۷۵ توسط دولت عراق را قرائت کرد. در این نامه خطاب به رئیس جمهوری ایران آمده است: «... با این تصمیم ما، دیگر همه چیز روشن شده و به این ترتیب همه آنچه را که می‌خواستید و بر آن تکیه می‌کردید، تحقق می‌یابد و دیگر اقدامی جز مبادله اسراء باقی نمی‌ماند...»

به دنبال آن عقب نشینی نیروهای عراقی از خاک ایران از ۱۹ مرداد ۱۳۶۹ آغاز شد و بعد از مدت ۵ روز به مرزهای بین المللی عقب نشینی کردند. عراق ۲۳۶۳ کیلومتر مربع از اراضی ایران را در اشغال خود داشت. شهرهای مهران،

□ پذیرش مجدد عهدنامه ۱۹۷۵ موفقیت بزرگی برای

جمهوری اسلامی ایران بود، اما هنوز مسائل معوقه

بسیاری در روابط دو کشور وجود دارد.

□ هر چند در مواردی استمرار طولانی آتش بس ممکن

است به يك صلح دوفاکتو تعبیر شود، اما تنها بعد از

امضای قرارداد صلح است که حالت جنگی از نظر

حقوقی پایان می‌یابد.

قصر شیرین، خسروی، نفت شهر، سومار، مناطق باوئسی، موسیان، کوشک، شلمچه، ارتفاعات کله قندی و کنجان چم، ارتفاعات قلاویزان، طلایه، فکه، شهرانی از جمله شهرها و مناطق تحت اشغال نیروهای عراقی بود.

یکی از مناطقی که از ابتدای جنگ به اشغال نیروهای عراقی درآمد، نفت شهر بود. نفت شهر تنها شهر ایران در منطقه غرب که در آن نفت کشف و استخراج شده و نیز به خاطر نقشی که میدان نفتی این شهر در تأمین نفت خام پالایشگاه باختران داشته، حایز اهمیت است. علاوه بر آن، نزدیکی نفت شهر به مرز و همسایگی آن با شهرک نفتی «نفتخانه» عراق همواره بر اهمیت آن افزوده است. نفت استخراج شده از این شهر نسبت به نفت حوزه‌های اهواز از مرغوبیت بیشتری برخوردار است. نفت این شهر قبل از آغاز جنگ توسط خط لوله‌ای به طول ۲۶۰ کیلومتر به پالایشگاه باختران انتقال می‌یافت. در طول جنگ این خط لوله قطع و تأسیسات نفتی آن کاملاً منهدم شد.

با اینحال عراقی‌ها برخی از مناطق را همچنان در اشغال خود دارند. وسعت این مناطق حدود ۶۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد.^(۱۷) عراقی‌ها می‌گویند: به موجب معاهده ۱۹۷۵ ایران باید مناطق میمک، زین القوس و سیف سعد را به آن‌ها واگذار می‌کرد، زیرا شاه از واگذاری این مناطق به عراق خودداری کرده بود.

یکی از بهانه‌های عراق برای لغو عهدنامه ۱۹۷۵ و تجاوز به ایران در سپتامبر ۱۹۸۰ همین مسئله بود. این مناطق در ابتدای جنگ به اشغال نیروهای عراقی درآمد. وسعت این مناطق براساس ادعای مقامات عراقی حدود ۳۰۰ کیلومتر مربع می‌شود، در حالیکه آنچه در اشغال عراقی‌ها باقیمانده، دو برابر این رقم می‌باشد.^(۱۸)

به دنبال اعلام عقب نشینی نیروهای عراقی از اراضی ایران، هیاتی تحت

می گرفت و گام مثبتی در جهت عادی سازی روابط دو کشور بود، اما این دید و بازدیدها نیز موفقیتی در زمینه نصب میله های مرزی به دنبال نداشت.

سفر وزیر امور خارجه ایران به بغداد

وزیر امور خارجه ایران به دعوت همتای عراقی خود در آبان ماه ۱۳۶۹ به عراق سفر کرد. وی در مورد مسائل مورد مذاکره با مقامات عراقی در این سفر گفت: «در باره روابط دو جانبه، ادامه مذاکرات در مورد اجرای قطعنامه ۵۹۸، مسایل منطقه ای و بحرانی که بر خلیج فارس حاکم شده است، بحث و تبادل نظر شد.» (۲۲)

در این سفر همچنین در مورد تبادل اسرای باقیمانده و زیارت اماکن مقدسه دو کشور نیز مذاکره شد. در مورد اینکه آیا در سفر مذکور در مورد مسائل مربوط به نصب میله های مرزی و لایروبی اروندرود مذاکراتی صورت گرفته یا خیر، در مطبوعات ایران اشاره ای نشده است.

سفر عزت ابراهیم به ایران

در دی ماه سال ۱۳۶۹ عزت ابراهیم نایب رئیس شورای فرماندهی انقلاب عراق در رأس یک هیأت سیاسی-اقتصادی متشکل از سعدون حمادی معاون نخست وزیر، محمد سعید صحاف وزیر مشاور در امور خارجی، محمد زبیدی وزیر راه و ترابری و همچنین قائم مقام وزارت نفت و چند تن از نمایندگان مجلس آن کشور به تهران آمد. طرفین در این دیدار در مورد مسائل مربوط به منطقه، روابط دو جانبه، روند عادی سازی روابط و صلح بین دو کشور، مسائل مربوط به رفت و آمد زوار، مبادله باقیمانده اسراء، امور مربوط به تسریع میله گذاری



مرزهای دو کشور، لایروبی اروندرود و اجرای کامل مفاد قطعنامه ۵۹۸ گفتگو کردند.

عزت ابراهیم طی مصاحبه ای در تهران گفت: «عراق به صورت جدی آماده است تا مشکلات مرزی را بر مبنای قرارداد ۱۹۷۵ حل کند.» (۲۳) اما در جدی بودن عراق جای تردید وجود داشت. زیرا عراقی ها در عمل از انجام این کار، به بهانه بحران کویت، طفره می رفتند. به همین جهت در مورد مهمترین مسائل بین دو کشور، از جمله میله گذاری مرزها و لایروبی اروندرود اقدامی صورت نگرفت. در واقع مهمترین هدف عزت ابراهیم از سفر به ایران، جلب حمایت تهران و یا در صورت امکان تشکیل یک جبهه واحد بین دو کشور در جنگ آینده خلیج فارس بود.

سفر عزت ابراهیم به ایران چند روز قبل از اتمام ضرب الاجل ۱۵ ژانویه - آخرین روز برای خروج نیروهای عراقی از کویت - صورت گرفت. وی در این سفر از مشهد نیز دیدار نمود وی برای جلب حمایت ایران طی سخنانی در مشهد، با تأکید بر عقاید اسلامی و ضرورت حمله به امپریالیسم، عقاید اسلامی را یک پایگاه بزرگ برای مسلمانان دانست و گفت: «امت اسلامی برای رهایی از سلطه امپریالیسم باید به اصول خدشه ناپذیر اسلام اتکاء کند... رهبران کشورهای اسلامی باید با برنامه ریزی، نقشه های امپریالیسم را خنثی کنند.» (۲۴)

در داخل ایران نیز ایجاد یک جبهه واحد از ایران و عراق برای رویارویی با

نیروهای خارجی در منطقه که هدف اصلی سفر عزت ابراهیم بود، پیش از روشن شدن واقعیت ها، طرفدارانی داشت. اما دولت ایران تصمیم گرفت که خود را از بحران دور نگه دارد و جمهوری اسلامی ایران ضمن محکوم کردن اشغال کویت، حضور نیروهای بیگانه در منطقه را نیز محکوم کرد.

آغاز تیرگی روابط ایران و عراق

چند روز پس از بازگشت هیأت عراقی، نیروهای متحدین به رهبری آمریکا از هوا و دریا، عراق را مورد شدیدترین حملات قرار دادند و به این ترتیب آتش جنگ در خلیج فارس شعله ور شد. جنگ با شکست عراق و آزادی کویت پایان یافت و شکست عراق زمینه بروز طغیان و قیام مردم عراق را علیه دولت این کشور فراهم ساخت. دولت عراق ادعا می کرد که ایران در آشوبهای داخلی این کشور دخالت دارد. صدام حسین رئیس جمهوری عراق بدون ذکر نام ایران اظهار داشت: «عراق از کشور همسایه ای که اخیراً به سوی دست دوستی دراز کرده که خصومت های گذشته فراموش شود، انتظار ندارد که به ایجاد ناآرامی در عراق کمک کند.» (۲۵)

عراق ادعا می کرد که نیروهای نظامی ایران با عبور از مرز و به خاک این کشور حمله کرده اند و این نقض آتش بس می باشد. عراق همچنین مدعی بود که ایران کمک های مالی و تسلیحاتی در اختیار مبارزان عراقی قرار می دهد، اما ایران ضمن تکذیب ادعاهای عراق، اعلام کرد که هیچ دخالتی در امور داخلی این کشور ندارد. به هر حال، با بحرانی شدن اوضاع داخلی عراق از اواسط اسفند ۱۳۶۹، برخوردهای مرزی بین دو کشور از سر گرفته شد و از این تاریخ تا اواسط شهریور ۱۳۷۰ بیش از ۸۰ مورد برخورد مرزی و نقض مقررات آتش بس گزارش شده است.

مسأله دیگری که در این زمان موجب بروز اختلاف بین دو کشور شده بود، مربوط به تعداد هواپیماهای عراقی مستقر در ایران و بازگرداندن آنها به عراق بود. عراق ادعا می کرد که در طول جنگ خلیج فارس ۱۲۸ فروند هواپیماهای نظامی و غیرنظامی آن کشور در خاک ایران فرود آمده و خواستار استرداد آنها بود، اما ایران تعداد هواپیماهای عراقی موجود در ایران را ۲۲ فروند اعلام کرد. تعدادی از این هواپیماها متعلق به کویت بود که عراقی ها از این کشور خارج کرده و برای سالم ماندن از حملات نیروهای متحدین، به ایران آورده بودند. در آن زمان گفته می شد که ایران هواپیماهای مذکور را به عنوان بخشی از غرامت جنگی که عراق باید به ایران پرداخت کند، به حساب آورده است. ولی وزیر امور خارجه ایران اعلام کرد که هواپیماهای کویتی به صاحب اصلی آن یعنی کویت باز گردانده خواهد شد. اما وی باز گرداندن هواپیماهای عراقی را منوط به اجازه شورای امنیت سازمان ملل متحد دانست. به دنبال آن عراق از کمیته تخریب شورای امنیت درخواست انتقال هواپیماهای مسافربری خود را از ایران نمود که با مخالفت روبرو شد.

به منظور حل و فصل اختلافات موجود بین دو کشور، سعیدالمجید الفیصل معاون وزیر امور خارجه عراق در شهریور ۱۳۷۰ وارد تهران شد. طرفین در این مذاکرات مسائل معوقه بین دو کشور مانند میله گذاری مرز، لایروبی اروندرود، مبادله اسراء و مفقودین و هواپیماهای غیرنظامی عراق را مورد بررسی قرار دادند. اما به علت سردی روابط دو کشور، در این مذاکرات هیچ گونه پیشرفت قابل توجهی صورت نگرفت.

از طرف دیگر در جدید مذاکرات مستقیم وزرای امور خارجه ایران و عراق که طبق توافق قبلی قرار بود در اردیبهشت ۱۳۷۰ صورت گیرد، به دلیل خودداری عراق انجام نگرفت، اما این امر مانع پیگیری اجرای بندهای ۷ و ۶ و ۸ قطعنامه ۵۹۸ توسط دبیرکل سازمان ملل متحد نشد.

اعلام متجاوز بودن عراق

برای اجرای بند ۶ قطعنامه ۵۹۸، خاویر پرزد کونیار دبیرکل سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۳ مرداد ۱۳۷۰ از ایران و عراق درخواست کرد که در گزارش های جامعی نظریات خود را درباره شروع جنگ تا ۲۴ شهریور ماه تسلیم وی کنند. ایران در ۱۴ شهریور ماه گزارش کاملی که تجاوز عراق را به ایران اثبات می کرد، به دبیرکل ارائه داد. عراق نیز در دوم شهریور ماه پاسخ خود را برای دبیرکل فرستاد. سپس دبیرکل برای دریافت نظرات ایران در

است. یکی از موانع بهبود روابط ایران با غرب همواره مساله گروگان‌های غربی در لبنان بود. (۲۸) قبل از اعلام نظر دبیرکل سازمان ملل در مورد متجاوز بودن عراق، وی در سفر به ایران توانسته بود، موافقت تهران را برای کمک به آزادی گروگان‌های غربی در لبنان به دست آورد. (۲۹) متعاقب آن اعلام شد که کلیه گروگانهای غربی در لبنان آزاد شده‌اند.

برآورد خسارت‌های ایران

دبیرکل سازمان ملل متحد بعد از سه سال از تصویب قطعنامه ۵۹۸ سرانجام درصدد اجرای بند ۷ آن برآمد. یکی از علل این امر اقدامات سازمان ملل در رابطه با تعیین خسارات وارده به کویت در جریان بحران خلیج فارس بود. شورای امنیت نمی‌توانست نسبت به یک موضوع یعنی برآورد خسارت‌های جنگی در ایران و کویت، برخورد دوگانه‌ای داشته باشد. شورای امنیت در دو قطعنامه ۵۹۸ و ۶۸۷ بر ضرورت برآورد خسارت‌های جنگی در ایران و عراق تاکید کرده بود. هیأت اعزامی سازمان ملل متحد به کویت گزارش خود را در مورد برآورد خسارات وارده به این کشور در اردیبهشت ماه ۱۳۷۰ تسلیم شورای امنیت کرده بود. بنابراین، ضروری بود که دبیرکل هیأتی را نیز به تهران، برای تعیین میزان خسارات وارده، اعزام کند. به همین جهت هیأت کارشناسی سازمان ملل متحد به ریاست عبدالرحیم فرح معاون دبیرکل برای تعیین میزان خسارت‌های وارده در خرداد سال ۱۳۷۰ به ایران آمد.

هدف سفر هیأت مقدماتی دست یابی به این اطلاعات بود:

- کسب اطلاعات مقدماتی درباره ماهیت و ابعاد خسارات وارده به زیربنای کشور در جریان جنگ.

- تحقیق و تأیید این اطلاعات تا حد ممکن از طریق بازدید از محل

- جمع آوری اطلاعات دیگر برای بررسی مساله بازسازی با توجه به بند ۷ قطعنامه ۵۹۸ که تصریح می‌کند شورای امنیت عظمت خسارات وارده در جریان مناقشه و نیاز به تلاشهای بازسازی با همیاری مناسب بین المللی را درک می‌کند.

هدف سفر دوم هیأت کارشناسی سازمان ملل به ایران در آبان ۱۳۷۰ پیگیری بررسی‌های قبلی و برآورد دقیق خسارات اقتصادی وارده به ایران بود. هیأت مذکور در مدت اقامت خود در ایران با نهادها و وزارتخانه‌های مسئول مذاکراتی انجام داد و برای شناخت بیشتر از مراکزی که در طول جنگ آسیب دیده بودند، دیدن کرد.

نتایج بررسی‌های مذکور به صورت دو گزارش نسبتاً جامع تحویل دبیرکل سازمان ملل متحد شد. در این گزارش‌ها، ضمن اذعان به عظمت خسارات وارده به ایران، میزان خسارات مستقیم ۹۷/۲ میلیارد دلار و خسارات غیرمستقیم ۳۴۵۳۵ میلیارد ریال برآورد شد؛ ایران میزان خسارات وارده را ۱۰۰۰ میلیارد دلار اعلام کرده است.

به منظور جلب کمک‌های بین المللی برای بازسازی ایران، هیأت کارشناسی سازمان ملل در گزارش خود توصیه کرده است که مساله برگزاری میزگردی با نظارت سازمان ملل و با هر ارگان و مرجع مورد نظر، با شرکت ایران، کشورهای عضو سازمان ملل، سازمان‌ها و آژانسهای بین المللی، برای ایجاد هماهنگی و همکاری در زمینه بازسازی، مورد توجه قرار گیرد.

علیرغم این برآورد غیرواقعی، سفر هیأت کارشناسی سازمان ملل متحد به ایران و تعیین میزان خسارات وارده با اعتراض دولت عراق روبرو شد؛ وزیر امور خارجه عراق در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد: «اعزام هیأت سازمان ملل متحد به تهران و پرداختن به بند هفتم قطعنامه ۵۹۸ به تأیید موضع ایران و تجزیه بندهای این قطعنامه منجر شده است. این اقدام بهره‌برداری از شرایط دشواری است که عراق در آن قرار دارد و اجرای لفظی قطعنامه ۵۹۸ در جهت منافع ایران است.» (۳۰)

به این ترتیب، وزیر خارجه عراق تلاش می‌کرد به طور تلویحی کوشش دبیرکل سازمان ملل متحد را برای اجرای مواد باقیمانده قطعنامه ۵۹۸ زیر سؤال ببرد. وی در این نامه افزوده است: «عراق در مذاکرات ژنو و نیویورک بارها اعلام کرده که تجزیه پاراگراف‌های قطعنامه ۵۹۸ و انتخاب برخی از

شهریور ماه ۱۳۷۰ به تهران آمد. وی در تهران در مورد تعیین متجاوز در جنگ ایران و عراق براساس قطعنامه ۵۹۸ گفت: «به عقیده من باید یک نهاد بی طرف برای این مساله تشکیل شود و تمامی دیدگاه‌ها را در خصوص این درخواست مورد ملاحظه قرار دهد.» (۲۶)

دبیرکل بعد از دریافت نظرات ایران و عراق و نیز گروهی از کارشناسان بی طرف، سرانجام گزارش خود را در این مورد در ۱۸ آذر ۱۳۷۰ به شورای امنیت سازمان ملل ارائه داد. در این گزارش دبیرکل عراق را مسئول آغاز جنگ علیه ایران در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ معرفی کرده است. در قسمتی از گزارش دبیرکل در این مورد آمده است:

«پاسخ عراق به نامه مورخ ۱۴ اوت ۱۹۹۱ من پاسخی محتوایی نیست... این یک واقعیت است که توضیحات عراق برای جامعه بین المللی قابل قبول و کافی نیست. بنابراین، رویداد برجسته‌ای که تحت عنوان موارد نقض در بند ۵ این گزارش به آن اشاره کردم، همانا حمله ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ علیه ایران است که براساس منشور ملل متحد، اصول و قوانین شناخته شده بین المللی یا اصول اخلاقی بین المللی قابل توجیه نیست و موجب مسئولیت مخصوصه است. حتی اگر قبل از شروع مخاصمه برخی تعارضات از جانب ایران به خاک عراق صورت گرفته باشد، چنین تعرضاتی نمی‌تواند توجیه کننده تجاوز عراق به ایران باشد، تجاوزی که اشغال مستمر خاک ایران را در طول مخاصمه در پی داشت؛ این تجاوزی است که ناقض ممنوعیت کاربرد زور است که یکی از اصول حقوق بین المللی است.» (۲۷)

به این ترتیب، سازمان ملل بعد از ۱۱ سال سرانجام اعتراف کرد که عراق



متجاوز است. چندین عامل در اعلام نظر سازمان ملل در این مورد موثر بوده است:

نخست رویه سازمان ملل در مورد تجاوز عراق به کویت می‌باشد. سازمان ملل در نخستین قطعنامه‌ای که در مورد کویت صادر کرد، به صراحت گفت عراق متجاوز می‌باشد. بنابراین ضروری بود که در مورد ایران نیز چنین روشی را در پیش گیرد زیرا صحیح نبود که در برابر یک متجاوز دو عملکرد متفاوت داشته باشد. حتی اگر سازمان ملل در همان آغاز تجاوز عراق به ایران، متجاوز را معرفی کرده بود، شاید از تجاوز عراق به کویت جلوگیری می‌شد. دبیرکل نیز در گزارش خود به شورای امنیت به این مساله صریحاً اشاره کرده است: «شورای امنیت در سال ۱۹۸۷ در بند ۸ قطعنامه ۵۹۸ روش صحیحی را توصیه کرد که اگر به موقع اجرا شده بود، می‌توانست منطقه را از فاجعه دیگری که بعداً رخ داد، برهاند.»

دوم اینکه، در جریان اشغال کویت، بسیاری از رهبران قبلی و فعلی جهان که در زمان تجاوز عراق به ایران، رهبری کشورهاشان را در دست داشتند، به صراحت اعتراف کردند که عراق به ایران تجاوز کرده است. رهبران مذکور در طول جنگ به علت ملاحظات که داشتند، مایل نبودند به این مساله اقرار کنند. بنابراین، تغییر نظر رهبران برخی دولت‌های غربی در اعلام نظر دبیرکل مبنی بر متجاوز بودن عراق در این زمان بسیار موثر بود. بهبود نسبی روابط ایران با غرب، در جلب نظر اعضای دائمی شورای امنیت، به ویژه قدرت‌های غربی صاحب نفوذ، در اعلام نظر سازمان ملل موثر بوده

پاراگراف ها به حل اختلافات میان دو کشور و دستیابی به يك توافق جامع نمی انجامد. تنها بندهایی از قطعنامه ۵۹۸ درباره آتش بس، آن هم به طور موقت، به اجراء گذاشته شده و اجرای بقیه مواد معوق مانده است.»^(۳۱)

مسائل معوقه

در حال حاضر، عراق عهدنامه مرزی و حسن همجواری ۱۹۷۵ را پذیرفته است. نیروهای آن کشور به مرزهای بین المللی عقب نشینی کرده اند و اسرای دو کشور تقریباً مبادله شده اند. پذیرش عهدنامه ۱۹۷۵ موفقیت بزرگی برای ایران بود، اما همانطور که گفته شد، هنوز مسائل معوقه بسیاری در روابط بین دو کشور وجود دارد که باید حل و فصل شود. مهمترین این مسائل عبارتند از:

۱- نصب میله های مرزی:

عهدنامه مرزی ۱۹۷۵ و پروتکل ها و موافقتنامه های ضمیمه آن، مرز بین دو کشور را بر روی نقشه معین کرده است. اما پذیرش مرز بر روی نقشه و قبول آن بر روی زمین تفاوت زیادی دارد. تعیین مرز بر روی زمین معمولاً از طریق نصب میله های مرزی توسط هیأت هایی متشکل از کارشناسان مربوطه دو کشور صورت می گیرد. به همین جهت به دنبال عقب نشینی نیروهای عراقی هیأتی برای این منظور تشکیل شد و یکی دو جلسه مقدماتی نیز برگزار کرد. اما علیرغم تأکید مقامات دو کشور بر لزوم نصب میله های مرزی، اقدامی در این مورد صورت نگرفت. علت این امر عدم آمادگی عراق بود که گرفتاری های خود را در ارتباط با بحران کویت بهانه قرار داد، در حالیکه پس از پایان این بحران نیز عراق تمایلی به این امر از خود نشان نداد. عراق منافع خود را در این می بیند که این مساله همچنان حل نشده بماند تا در زمان مناسب بهانه لازم را برای سیاست های توسعه طلبانه خود داشته باشد.

۲- عدم انعقاد پیمان صلح

هر چند در مواردی استمرار طولانی آتش بس ممکن است به يك صلح دو فاکتور تعبیر شود، اما تنها بعد از امضای قرارداد صلح است که حالت جنگی از نظر حقوقی خاتمه می پذیرد. به همین جهت، در بند ۲ قطعنامه ۵۹۸ اشاره به انعقاد يك معاهده صلح پایدار، شرافتمندانه و همه جانبه شده است.^(۳۲) در حالیکه انعقاد چنین قراردادی بین ایران و عراق مورد مذاکره قرار نگرفته است. بنابراین، تا زمانی که قرارداد صلح بین دو کشور به امضاء نرسد، حالت نه جنگ نه صلح بین ایران و عراق برقرار خواهد بود.

در طول مدتی که آتش بس برقرار بوده، موارد متعددی از نقض آن گزارش شده است. در صورتیکه میل و قصد دامن زدن - به تحریکات وجود داشته باشد، هر کدام از موارد نقض آتش بس، برای شروع مجدد يك جنگ تمام عیار کافی است.

۳- لایروبی اروندرود

اروندرود در حال حاضر به علت انباشته شدن از گل ولای، لاشه کشتی های غرق شده و مین های دریایی غیرقابل کشتیرانی است. لایروبی این آبراه بین المللی بسیار پرهزینه است که تقریباً بین ۵ تا ۱۰ میلیارد دلار برآورد می شود.

لایروبی اروندرود به جهت دسترسی عراق به خلیج فارس، برای این کشور از اولویت برخوردار است و در چند سال گذشته این مساله همواره از جانب عراق مطرح و پیگیری شده است.

با پذیرش عهدنامه ۱۹۷۵ مشکل چگونگی لایروبی اروندرود از میان برده شده شد، زیرا موافقتنامه مربوط به کشتیرانی در اروندرود که ضمیمه عهدنامه ۱۹۷۵ می باشد، نحوه لایروبی این آبراه را مشخص می کند. براساس این موافقتنامه، لایروبی اروندرود در چارچوب وظایف دفتر مشترک هماهنگی (متشکل از نمایندگان مشترک دو کشور به تعداد مساوی) خواهد بود.

بنابراین، نخستین گام در این مورد ایجاد این دفتر است، اما در این زمینه نیز تاکنون اقدامی صورت نگرفته است.

۴- تحدید فلات قاره ایران و عراق

در عهدنامه مرزی و حسن همجواری ۱۹۷۵ و یا در قطعنامه ۵۹۸ اشاره ای به تحدید فلات قاره ایران و عراق نشده است، اما این امر نیز از مسائل معوقه بین دو کشور است. مساله تحدید فلات قاره ایران و عراق در خلیج فارس در سالهای ۱۳۴۲ و ۱۳۴۶ مورد مذاکره بین دو کشور قرار گرفت، اما هیچ گونه پیشرفتی در این مورد حاصل نشد. عدم توافق ایران و عراق در این مورد منجر به عدم تحدید فلات قاره ایران و کویت نیز شده است، زیرا که فلات قاره سه کشور در شمال خلیج فارس با یکدیگر تلاقی می کند.

در سال ۱۹۹۰ با توجه به فرصت خوبی که در جریان اشغال کویت پیش آمد، ضروری بود که این مساله نیز در دستور مذاکرات قرار گیرد. به هر حال يك فرصت تاریخی و بی نظیر برای حل و فصل نهایی مسائل مذکور از دست رفت.

زیر نویس ها:

- (۱) اطلاعات، اول مرداد ۱۳۶۶
- (۲) رسالت، ۳۱ شهریور ۱۳۶۶
- (۳) رسالت، ۱۹ مرداد ۱۳۷۰
- (۴) بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترانزنامه سال ۱۳۶۷، ص ۲۵
- (۵) اطلاعات، ۲۸ اسفند ۱۳۶۹
- (۶) اطلاعات، ۶ اسفند ۱۳۶۹
- (۷) کیهان، ۳۰ مرداد ۱۳۶۹
- (۸) اصغر جعفری ولدانی، روابط عراق با کویت (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۹) ص ۱۲۶
- (۹) کیهان، ۳۰ مرداد ۱۳۶۹
- 10) Judith Miller and Laurie Mylroie, Saddam Hussein and the crisis in the Gulf, (New York, Times Books, 1990) p.11
- 11) Lbid, p. 12

- (۱۲) کیهان، ۳۰ مرداد ۱۳۶۹
- (۱۳) ایران، ۱۲ خرداد ۱۳۶۹
- (۱۴) ایران، ۱۹ خرداد ۱۳۶۹
- (۱۵) اطلاعات، ۳۱ شهریور ۱۳۶۹
- (۱۶) دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، متن نامه های مبادله شده بین روسای جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق (تهران: ۱۳۶۹) ص ۵-۵۴
- (۱۷) ایران، ۸ شهریور ۱۳۶۹
- (۱۸) برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به:
- دکتر اصغر جعفری ولدانی، بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۰) چاپ دوم، ص ۲۳-۵۲۱
- (۱۹) بنگرید به:

- وزارت دادگستری، مجموعه قوانین سال ۱۳۵۵، ص ۱۵۰-۱۰۳
- (۲۰) اطلاعات، ۲۱ شهریور ۱۳۶۹
- (۲۱) جمهوری اسلامی، ۸ مهر ۱۳۶۹
- (۲۲) اطلاعات، ۲۶ آبان ۱۳۶۹
- (۲۳) اطلاعات، ۲۰ دی ۱۳۶۹
- (۲۴) همان
- (۲۵) رسالت، ۲۶ اسفند ۱۳۶۹
- (۲۶) کیهان، ۲۰ شهریور ۱۳۷۰
- (۲۷) کیهان، ۲۱ آذر ۱۳۷۰
- (۲۸) به عنوان مثال جرج بوش رئیس جمهوری آمریکا در این رابطه طی يك مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت: «آمریکا خواستار روابط بهتر با ایران است، اما شرط این بهبودی، آزادی گروگان های غربی در لبنان می باشد.»
- ایران، ۱۳ مهر ۱۳۷۰
- (۲۹) دبیر کل سازمان ملل در سفر به تهران در شهریور ۱۳۷۰ در مورد آزادی گروگان های غربی در لبنان با مقامات ایران مذاکره نمود. وی در این رابطه طی مصاحبه ای در تهران اظهار داشت: «من از کمک های ایران تشکر می کنم. ایرانی ها به من کمک می کنند و می دانم که این مسئله به آنها مربوط نمی شود و باید در جاهای دیگری حل و فصل شود.» کیهان ۲۰ شهریور ۱۳۷۰.
- وزیر امور خارجه ایران نیز در این رابطه اعلام داشت: «ما از تلاش آقای دکونیار در جهت حل مسئله گروگان ها که يك مسئله انسانی است، قدردانی می کنیم و به اندازه خود به دبیر کل سازمان ملل کمک می کنیم و امیدواریم هر کشور هر قدر که می تواند کمک کند تا به این مسئله خاتمه داده شود.» رسالت، ۲۴ شهریور ۱۳۷۰
- (۳۰) جمهوری اسلامی، ۲۵ مهر ۱۳۷۰
- (۳۱) همان
- (۳۲) برای اطلاع بیشتر بنگرید به:
- دکتر علی اصغر کاظمی «مفهوم آتش بس، ترك مخاصمه و متارکه جنگ از دیدگاه حقوق بین الملل»، مجله حقوقی، پائیز - زمستان ۱۳۶۸، شماره ۱۱، ص ۵۱-۱۲۷